

”

«دانشمند» را آنقدری که تورق کرده‌ام، در این تولد مجدد خود به قطعه‌ای از پازل از ژورنالیسم پیشرفت تبدیل شده است. روزنامه‌نگاری پیشرفته خود قطعه‌ای از پازل روایت پیشرفت است و روایت پیشرفت با عبور از دالان گفت‌وگوی اجتماعی، زمینه برای پیدایش نظریه واقعی درباره پیشرفت است.

”

تجدد [زدگی] ما را به وادی توسعه انداخت و تجرد [زدگی]، جهد ما برای درک پیشرفت را به ورطه انتزاع کشانید. اکنون این تجربه پیشرفت و روایت آن است که می‌تواند راهی جدید پیش روی ما بگشاید و به ما درکی انضمامی از پیشرفت بدهد.

کمی از استعلائی انتزاع فرود آید و پای در میدان واقعیت بگذارد. چه باید کرد؟ درست در این نقطه است که روایت واقعیت به مثابه یک پاسخ برای برون‌رفت از این امتناع فکری متولد می‌شود.

رهبر انقلاب در سال‌های آغازین طرح مباحث مرتبط با پیشرفت، یک آینده‌شناسی و آسیب‌شناسی مستدل ارائه کردند: هشدار نسبت به «بحث‌های ذهنی» و «مباحث تئوریک بدون توجه به خارج و واقعیت». اکنون برای رهایی از چالهرزی که این آسیب پدید آورده، برای رهایی از این همه جملات بی‌سر و ته و کلی‌چه باید کرد؟ در انداختن طرحی «راه» به حل احتمال زیاد دشوار نیست هر چند پیمودن آن دشواری‌هایی دارد. برای رهایی از «مباحث تئوریک بدون توجه به خارج و واقعیت» کافی است نخست به «واقعیت» توجه کنیم و سپس مبتنی بر این واقعیت و متوجه آنها، «مباحث تئوریک» را بنا کنیم.

بدین روی از مهم‌ترین مسیره‌های برون‌رفت از این تنگنای کنونی در اندیشیدن به پیشرفت، فراخوانی روایت پیشرفت است. تجدد [زدگی] ما را به وادی توسعه انداخت و تجرد [زدگی]، جهد ما برای درک پیشرفت را به ورطه انتزاع کشانید. اکنون این تجربه پیشرفت و روایت آن است که می‌تواند راهی جدید پیش روی ما بگشاید و به ما درکی انضمامی از پیشرفت بدهد.

روایت واقعیت و پیشرفت، یعنی رسانه و ژورنالیسم پیشرفت؛ یعنی سینمای پیشرفت؛ سپس یعنی حوزه عمومی‌ای که در آن درباره پیشرفت گفت‌وگو و مباحثه شود و آن‌گاه مباحثی نظری که مبتنی بر آن واقعیت و از دل این گفت‌وگوها بر می‌آید. مبانی البته مهم هستند. این مبانی بودند که امکان طی این مسیر را فراهم آوردند. ضرورت روایت و واقعیت، نافی ضرورت فلسفی اندیشی نیست. بدون فکر فلسفی و بدون فعال کردن سنت فقهی و حکمی، پاسخ به پرسش‌های پیشرفت اگر نگوییم ناممکن است، دست‌کم چیزی جز پاسخ‌هایی روزمره و دم‌دستی نیست. مسأله اینجاست که پس از پنجاه سال اگر قرار است در مباحثه نظری پیرامون پیشرفت

همان مبانی بازگویی شوند؛ اگر قرار است «مباحث تئوریک» بدون قرار گرفتن در مقام تفسیر و صورت‌بندی «واقعیت»، مجدداً تفسیر شوند، چه نیازی را رفع خواهند کرد؟ البته یک مسأله هم باقی است و آن وجه ساختاری و اقتصادسیاسی اندیشیدن درباره پیشرفت است. الگوی پیشرفت در پژوهشکده‌های نفتی تولید نمی‌شود و در شوراهای استعلائی مصوب نمی‌گردد. ما نیازمند آن هستیم که به روایت پیشرفت و به حوزه عمومی پیشرفت بیاوریم.

در یک جمهوری فکری و معرفتی می‌توان بر چگونگی پیشرفت توافق کرد. دانشمند را آن قدری که تورق کرده‌ام، در این تولد مجدد خود به قطعه‌ای از پازل از ژورنالیسم پیشرفت تبدیل شده است. روزنامه‌نگاری پیشرفت خود قطعه‌ای از پازل روایت پیشرفت است و روایت پیشرفت با عبور از دالان گفت‌وگوی اجتماعی، زمینه برای پیدایی نظریه واقعی درباره پیشرفت. ما برای پیشرفت نیازمند بازسازی و احیای عقل عملی‌مان هستیم. کاری بزرگ که از همین گام‌های کوچک آغاز می‌شود.

